



جواد خرمی

ز سوز غم پسر پروانه می سوخت  
 ز داغ لاله‌ای گلخانه می سوخت  
 ز آوای جواد آن جان زهرا  
 نهال گلشن جانانه می سوخت<sup>۱</sup>  
 امام نهم که نامش «محمد» و کنیه‌اش  
 «ابوجعفر» و لقب او «تقی» و «جواد» است،  
 در دهم ماه مبارک رجب ۱۹۵ هـ. ق در  
 شهر مدینه دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup>

مادرش «سبیکه» یا «خیزران» نام  
 داشت که از خاندان «ماریه قبطیه» همسر  
 پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شمار  
 می‌رود.  
 مدت امامت آن حضرت ۱۷ سال و  
 مدت عمرش ۲۵ سال بود. در آخر ذی-  
 قعدة سال ۲۲۰ هـ. ق توسط همسرش،  
 ام الفضل<sup>۳</sup> به دستور معتصم (هشتمین

۱. اصول مداحی، ناصری نژاد، انتشارات نصاب،  
 ۱۳۸۳، ص ۲۳۴.  
 ۲. برخی ولادت حضرت را در نیمه ماه رجب  
 نوشته‌اند (اعلام النوری، طبرسی، سوم، دار الکتب  
 الاسلامیه، ص ۳۴۴) و برخی نیز در ماه رمضان  
 دانسته‌اند (اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱،  
 ج ۲، ص ۴۹۲).  
 ۳. برخی قاتل حضرت را غلام معتصم می‌دانند.

۱. اصول مداحی، ناصری نژاد، انتشارات نصاب،  
 ۱۳۸۳، ص ۲۳۴.  
 ۲. برخی ولادت حضرت را در نیمه ماه رجب  
 نوشته‌اند (اعلام النوری، طبرسی، سوم، دار الکتب  
 الاسلامیه، ص ۳۴۴) و برخی نیز در ماه رمضان  
 دانسته‌اند (اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱،  
 ج ۲، ص ۴۹۲).  
 ۳. برخی قاتل حضرت را غلام معتصم می‌دانند.

خلیفه عباسی) با انگور زهرآلود به شهادت رسید.<sup>۱</sup> با مسموم کردن حضرت جواد علیه السلام گویا عقده ام الفضل خالی نشد و لذا در را از پشت به روی آن حضرت بست، در حالی که سم بر بدنش اثر گذاشته و طبعاً تشنگی به او دست داده بود.

مظلوم‌تر از جواد بغداد نداشت آن مظهر داد تاب بیداد نداشت می‌خواست که فریاد کند تشنه لبم از سوز جگر طاقت فریاد نداشت<sup>۲</sup> اما همسرش اجازه نداد که کسی برایش آب ببرد، حتی بعضیها نقل کرده‌اند که دستور داد کنیزها هیاهو کنند تا صدای امام جواد علیه السلام را کسی نشوند.<sup>۳</sup> صدای آب آب از نای مرد خسته می‌آید صدای العطش از حجره‌ای در بسته می‌آید

بگو ای ام فضل بی‌حیا یک لحظه ساکت باش که زهرا از جنان با پهلوی بشکسته می‌آید سرانجام بر اثر همان زهر، حضرت دار فانی را وداع گفت و او را در قبرستان قریش بغداد (کاظمین فعلی) در کنار قبر جدش، موسی بن جعفر علیهما السلام به خاک سپردند. شهادت آن حضرت درست دو سال و نیم بعد از مرگ مأمون بود؛ چنان که خود آن حضرت خیر داده بود: «الْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِنَلَّائِنِ شَهْرًا»<sup>۴</sup> گشایش [و راحتی من با مرگ] بعد از مأمون به سی ماه خواهد بود.»

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است گذرا به جایگاه علمی و مکتب تعلیمی و بیان جلوه‌هایی از علم گسترده آن حضرت.

## امام جواد علیه السلام در

### معرض آزمایش علمی

با اینکه مناصب الهی وابسته به سن خاص نیست و خداوند پیامبرانی را در کودکی به منصب نبوت انتخاب کرده،

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۲؛ ارشاد، شیخ مفید، مکتبه بصیرتی، ص ۳۱۶؛ اعلام الوری، ص ۳۴۴.

۲. اصول ملاحی، ص ۲۳۴.

۳. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، صص ۲۳۳ - ۲۳۴؛ ر.ک: ره توشه راهیان نور، شماره ۳۳، رمضان ۱۳۷۹ ش، صص ۳۱۲ -

۳۱۳، از زبان مرحوم احمدی میانجی.

۴. منتهی الآمال، ص ۲۳۵.

سرگردانی فرو رفتند و در میان مردم اختلاف نظر پدید آمد و سن ابو جعفر را کم شمردند و شیعیان در سایر شهرها متحیر شدند.<sup>۳</sup>

به همین جهت، شیعیان اجتماعاتی تشکیل دادند و دیدارهایی با امام جواد علیه السلام به عمل آوردند و به منظور آزمایش و حصول اطمینان از اینکه او دارای علم امامت است، پرسشهایی را مطرح کردند و هنگامی که پاسخهای قاطع و روشن کننده دریافت کردند، مقام علمی آن حضرت را باور کردند و آرامش یافتند. به نمونه‌هایی در این زمینه توجه فرمایید:

۱. بعد از شهادت امام رضا علیه السلام، ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکیم، عبد الرحمن بن حجاج و یونس بن عبد الرحمان با گروهی از بزرگان و معتمدین شیعه، در خانه «عبد الرحمن بن حجاج» در یکی از محله‌های

مانند حضرت یحیی علیه السلام که قرآن می‌فرماید: «ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم»<sup>۱</sup> و از زبان حضرت عیسی علیه السلام در نوزادی نقل می‌کند که «بی‌شک من بنده خدایم. به من کتاب عطا فرموده و مرا در هر جا که باشم، وجودی پر برکت قرار داده است...»<sup>۲</sup> و علم نبوت را به آنها عنایت فرموده است. با این حال، امامت امام جواد علیه السلام و دارا بودن علم الهی وارث نبوی، نه تنها از طرف مخالفان مورد تردید جدی واقع شده بود، بلکه افراد عادی از شیعیان و برخی از بزرگان و علماء شیعه نیز در این مسئله گفتگو داشتند و در واقع، همین مسئله به صورت یک معزل اعتقادی در آمده بود.

«ابن رستم طبری» از دانشمندان قرن چهارم، می‌نویسد: «زمانی که سن او (حضرت جواد علیه السلام) به شش سال و چند ماه رسید، مأمون پدرش را به قتل رساند و شیعیان در حیرت و

۳. دلائل الامامة، طبری، قم، منشورات، ۱۳۶۳ ش

سوم، ص ۲۰۴؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۵۳۹.

۱. مریم / ۱۲.

۲. همان، ۳۰-۳۲.

بغداد به نام «برکه زلزله» گرد آمدند و در سوگ امام به گریه و اندوه پرداختند. ... یونس به آنان گفت: دست از گریه بردارید! [باید دید] امر امامت را چه کسی عهده‌دار می‌گردد؟ و تا این کودک (ابو جعفر) بزرگ شود، مسائل خود را از چه کسی باید پرسیم؟

در این هنگام «ریان بن صلت» برخاست و گلوی او را گرفت و فشرد و در حالی که به سر و صورت او می‌زد، با خشم گفت: تو نزد ما تظاهر به ایمان می‌کنی و شک و شرک خود را پنهان می‌داری! اگر امامت او از جانب خدا باشد، حتی اگر طفل یک روزه باشد، مثل پیرمرد صد ساله خواهد بود و اگر از جانب خدا نباشد، حتی اگر صدساله باشد، چون دیگران یک فرد عادی خواهد بود...

در آن موقع، موسم حج نزدیک شده بود. هشتاد نفر از فقهاء و علماء بغداد و شهرهای دیگر رهسپار حج شدند و به قصد دیدار ابو جعفر عازم مدینه گردیدند و چون به مدینه رسیدند، به

خانه امام صادق علیه السلام که خالی بود، رفتند. در این هنگام، عبد الله بن موسی، عموی حضرت جواد علیه السلام، وارد شد و در صدر مجلس نشست. یک نفر بپا خاست و گفت: این، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. هر کس سؤالی دارد، از وی بکنند. چند نفر از حاضران سؤالاتی کردند که وی پاسخهای نادرستی دادا ... شیعیان متحیر و غمگین شدند و فقهاء مضطرب گشتند و برخاسته و قصد رفتن کرده، گفتند: اگر ابو جعفر می‌توانست جواب مسائل ما را بدهد، عبدالله نزد ما نمی‌آمد و جوابهای نادرست نمی‌دادا

در این هنگام، دری از صدر مجلس باز شد و غلامی به نام «موفق» وارد مجلس گردید و گفت: این ابو جعفر است که می‌آید. همه بپاخواستند و از وی استقبال کرده، سلام کردند. حضرت وارد شد و نشست. مردم و علماء همه ساکت شدند. آن گاه سؤالات خود را با امام در میان گذاشتند و وقتی که پاسخهای قانع کننده و کامل شنیدند، شاد شدند و او را

## اعتراف مخالفان

با مناظرات و پرسشها از امام جواد علیه السلام نه تنها عظمت علمی آن حضرت در نزد شیعیان به اثبات رسید، بلکه علماء مذاهب دیگر نیز این عظمت علمی را دریافتند و در مواردی بدان اعتراف کردند، از جمله:

۱. ابن حجر هیثمی می‌نویسد: «مأمون او را به دامادی انتخاب کرد؛ زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم، بر همه دانشمندان برتری داشت.»<sup>۱</sup>
۲. شبلینجی می‌گوید: «مأمون پیوسته شیفته او بود؛ زیرا با وجود کمی سن، فضل و علم و کمال خود را نشان داد و برهان [عظمت] خویش را آشکار ساخت.»<sup>۲</sup>
۳. جاحظ عثمانی معتزلی، که از

مخالفان خاندان علی علیه السلام بوده، امام جواد علیه السلام را در زمره ده تن از

۱. الصواعق المحرقة، ابن حجر، قاهره، مکتبه الماهرة، دوم، ۱۳۸۵ ق، ص ۲۰۵.

۲. نور الابصار، شبلینجی، قاهره، مکتبه المشهد الحسینی، ص ۱۶۱.

دعا کردند و عرض کردند: عموی شما عبدالله چنین و چنان فتوا داد.

حضرت فرمود: «ای عموا! امر عظیمی است که فردا در پیشگاه او (خدا) بایستی و به تو بگویند: با آنکه در میان امت، دانایتر از تو وجود داشت، چرا ندانسته به بندگان من فتوا دادی!»<sup>۱</sup>

۲. اسحاق بن اسماعیل در نامه‌ای ده مسئله نوشته بود تا از آن حضرت بپرسد، ولی قبل از آنکه سؤالاتش را مطرح کند، حضرت به اساسی‌ترین پرسش او جواب فرمود که به یقین علم و حتی علم غیب حضرت را باور کرد.<sup>۲</sup>
- و مشابه این دیدارها که در منابع روایی و تاریخی بیان شده است،<sup>۳</sup> باعث شد شیعیان اعتقاد کامل به امامت و علم الهی حضرت پیدا کنند.

۱. بحارالانوار، مجلسی، تهران، مکتبه الاسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ ق، ج ۵۰، صص ۹۸-۱۰۰؛ اثبات الوصیه، نجف، المطبعة الحیدریه، چهارم، ۱۳۷۴ ش، صص ۲۱۳-۲۵۱؛ سیره پیشوایان، صص ۵۳۹-۵۴۱.

۲. اثبات الوصیه، ص ۲۱۵؛ سیره پیشوایان، ص ۵۴۲.

۳. بحارالانوار، ج ۵، ص ۹۰؛ اثبات الوصیه، ص ۲۱۰؛ اختصاص، شیخ مفید، ص ۱۰۲.

«مأمون شیفته او شد؛ زیرا می‌دید که او با وجود کمی سن، از نظر علم و حکمت و ادب و کمال عقلی، به چنان رتبه والایی رسیده که هیچ یک از بزرگان علمی آن روزگار بدان پایه نرسیده بودند.»<sup>۴</sup>

### منبع علم امام

از نظر شیعه امام معصوم علیه السلام داناترین فرد زمانش می‌باشد و به تمام احکام شریعت احاطه کامل دارد، بدون اینکه مکتب و کلاس و معلم معمولی دیده باشد. امام جواد علیه السلام نیز از چنین علمی برخوردار بود. حال باید دید یک چنین علمی را چگونه به دست آورده بود و منبع علم آن حضرت چه بود؟ و از کجا سرچشمه می‌گرفت؟

### ۱. خداوند متعال

سر منشأ اصلی علوم انبیاء و ائمه علیهم السلام از علم لا یزال و بی‌متهای الهی می‌باشد. این حقیقت را امام جواد علیه السلام این گونه بیان فرمود: «أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّضَا، أَنَا الْجَوَادُ، أَنَا الْعَالِمُ

«طالبيان» آورده و درباره آنان چنین گفته است: «هر یک از آنان عالم، زاهد، عابد، شجاع، بخشنده و پاک بودند.»<sup>۱</sup>

۴. سبط بن الجوزی الحنفی (م ۶۵۴ق) می‌گوید: «و مُحَمَّدٌ الْأَمَامُ أَبُو جَعْفَرِ الثَّانِي كَانَ عَلَىٰ مِنْهَاجِ أَبِيهِ فِي الْعِلْمِ وَ التَّقَىٰ...»<sup>۲</sup> محمد، امام ابو جعفر دوم (حضرت جواد علیه السلام) در علم و تقوا بر روش پدرش (علی بن موسی علیهما السلام) بود.»

۵. محمود بن وهیب البغدادی می‌گوید: «هُوَ الْوَارِثُ لِأَبِيهِ عِلْمًا وَ فَضْلًا وَ أَجَلٌ أَخُوهُ قَدْرًا وَ كَمَالًا»<sup>۳</sup> او (ابو جعفر) وارث علم و فضل پدرش بود و برترین برادران از نظر منزلت و کمال بود.»

۶. فتال نیشابوری جامع‌ترین کلام را که به منزله جمع‌بندی اعترافات علماء اهل سنت است، درباره علم او می‌گوید:

۱. نگاهی به زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، مرتضی عاملی، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۰۶.
۲. تذکره الخواص، صص ۳۵۸ - ۳۵۹، به نقل از اعلام الهدایة، المجمع العالمی لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَیْهِمُ السَّلَام، اول، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۲۱.
۳. جوهرة الکلام، ص ۱۴۷، به نقل از اعلام الهدایة، ص ۲۵.

۴. الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۳۱۹.

بِأَنْتَابِ النَّاسِ فِي الْأَصْلَابِ، أَنَا أَكْبَرُكُمْ بِسِرَائِرِكُمْ وَظَوَاهِرِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ عِلْمٌ مُنْخَنًا بِهِ مِنْ قَبْلِ خَالِقِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَبَعْدَ فَنَاءِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ؛ من محمد بن علی الرضا هستم، من جوادم، من عالم به نسبهای مردم در صلبها [ی پدران] می باشم. من دانستارین [مردم] به باطن و ظاهر شما و آنچه شما به سوی آن برمی گردید، هستم؛ علمی که از طرف خالق همه مخلوقات بعد از فناء آسمانها و زمینها به ما عطا شده است.»

سپس دست شریفش را بر دهان خویش قرار داد و فرمود: «يَا مُحَمَّدُ اصْمُتْ كَمَا صَمَّتْ آبَاؤُكَ مِنْ قَبْلُ؛ ای محمدا! ساکت باش؛ چنان که پدرانانت قبلاً سکوت اختیار کردند.»

## ۲. امام قبلی

هر چند علوم ائمه علیهم السلام به خدا منتهی می شود، ولی در روایات گاه مستقیماً این علم به خداوند نسبت داده شده است (که در روایت قبلی بیان شد)

و گاه به امامان قبلی نسبت داده شده است.

درباره علم امام جواد علیه السلام از مسعودی نقل شده است که کلثم بن عمر می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: شما فرزند را دوست داری، دعا کن خداوند فرزندی روزی شما گرداند! حضرت فرمود: «أَرْزُقُ وَلَدًا وَاحِدًا وَهُوَ يَرِثُنِي؛ به من یک فرزند روزی می شود که او از من ارث می برد.» سپس هنگامی که ابو جعفر (جواد الائمه علیه السلام) به دنیا آمد، حضرت از اول شب تا صبح با او سخن گفت و این قضیه چندین شب ادامه داشت. عرض کردم: فدایت بشوم! مردم قبل از این فرزند (شما) دارای فرزندانها شده اند، آیا همه را تعویذ [و دعا] کرده ای؟ فقال: «وَيَحْكُ! لَيْسَ هَذَا عَوْدَةً إِنَّمَا أَعْرُ بِالْعِلْمِ غَرًّا؛<sup>۱</sup> وای بر تو این تعویذ نیست،

۱. مستدرک العوالم، ج ۲۳، ص ۱۵۹، به نقل از اعلام

۲. اثبات الوصیة، ص ۲۱۰، به نقل از اعلام الهدایة،

الهدایة، ج ۱۱، ص ۳۱.

ج ۱۱، ص ۳۱.

احتجاجات علمی، علوم و دانشهای خود را به جامعه نشر می‌دادند. به هر حال، شرائط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است.

### الف. تربیت شاگردان

در دوران امام صادق و امام باقر علیهما السلام شرائط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت، بالغ بر چهار هزار نفر از محضر این دو امام استفاده بردند؛ ولی در دوره امام جواد علیه السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت علمی آنان بسیار محدود بود (هر چند از علم وسیعی برخوردار بودند) و از این نظر، تعداد راویان و شاگردان آنها کاهش چشمگیری نشان می‌دهد.

راویان و شاگردان مکتب امام جواد علیه السلام قریب به صد و ده نفر بوده‌اند.<sup>۲</sup> ۲۶ نفر از آنان مجموعاً ۷۸ اثر نوشته‌اند که یکی از آنها علی بن مهزیار

بلکه فقط علم فراوان را به او انتقال دادم [بسان مرغی که به جوجه خود دانه می‌دهد].»

### ۳. روح القدس

منبع سوم برای علم امامان از جمله امام جواد علیه السلام (که در واقع به همان منبع اول بر می‌گردد) روح القدس است که به امر الهی با آنها سخن می‌گوید. امام باقر علیه السلام فرمود: «أَنَّ الْأَوْصِيَاءَ مُحَدَّثُونَ يُحَدِّثُهُمْ رُوحُ الْقُدُسِ وَلَا يَرَوْنَهُ»<sup>۱</sup> به راستی اوصیاء [و امامان] محدث هستند و روح القدس با آنان سخن می‌گوید، در حالی که او را نمی‌بینند.»

### جلوه‌هایی از علم گسترده

امامان و پیشوایان بزرگ هر کدام در عصر خود فعالیت علمی به وسعت اقتضاء زمان و شرائط حاکم بر جامعه داشته‌اند که گاه از طریق شاگردان و تعلیم و تربیت، زمانی از طریق تدوین کتب و دستور به جمع آوری حدیث و نشر آن و گاه از راه مناظره و

۲. رجال شیخ طوسی، نجف، مکتبة الحیدریة، اول،

۱۳۸۱ ش، صص ۳۹۷ - ۴۰۹.

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۵۷، ح ۲۴.



حقیقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده‌اند. از جمله «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است.<sup>۴</sup> همچنین حافظ «عبد العزیز بن اخضر جنابذی» در کتاب «معالم العترة الطاهرة»<sup>۵</sup> و ابوبکر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبی و محمد بن منده بن مهربد در کتب تاریخ و تفسیر خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند.<sup>۶</sup>

نکته قابل دقت در روایات رسیده از امام جواد علیه السلام، تنوع روایات در موضوعات مختلف و مورد نیاز آن زمان بوده است. به عنوان نمونه، به این موضوعات می‌توان اشاره کرد:

۱. توحید و بسیاری از شبهاتی که در این زمینه، در آن زمان مطرح بوده است؛<sup>۷</sup>

۴. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، بیروت، دار الکتاب العربی، ج ۳، صص ۵۴ - ۵۵.

۵. اعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۵.

۶. ابن شهر آشوب، قم، المطبعة العلمية، ج ۴، ص ۳۸۴.

۷. ر. ک: اصول کافی، ج ۴؛ توحید صدوق، ص ۸۲؛ اعلام الهدایة، ص ۳۲.

است با تألیف ۳۵ اثر، دیگری محمد بن عبدالله بن مهران است که دارای هفت اثر می‌باشد و سومی معاویة بن حکیم است با هفت اثر.<sup>۱</sup> و در حال حاضر، کلمات حضرت جواد علیه السلام با عنوان «مسند الامام الجواد علیه السلام» توسط شیخ عزیر الله عطاردی گردآوری شده است.<sup>۲</sup>

و از دیگر چهره‌های برجسته و درخشان از بین شاگردان و راویان آن حضرت، می‌توان از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزیع، حسین بن سعید اهوازی، و احمد بن محمد بن خالد برقی که هر کدام در صحنہ علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند، نام برد.<sup>۳</sup> قابل ذکر است که روایت کنندگان از

امام جواد علیه السلام منحصر به راویان و محدثان شیعه نمی‌باشند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و

۱. سیر حدیث در اسلام، سید احمد میر خانی، تهران، دوم، ۱۳۶۱ ش، صص ۲۶۶ - ۲۷۸.

۲. رجال شیخ طوسی، صص ۲۶۶ - ۲۹۷.

۳. سیره پیشوایان، ص ۵۶۲.

برخی مناظرات آن حضرت پیش تر در مجله مبلغان چاپ شده است.<sup>۵</sup>

### ج. پاسخ به شبهات و پرسشها

همیشه در ذهن جوآل بشری پرسشهایی پیرامون معارف دینی، اعم از اصول و فلسفه احکام و تفسیر و ... وجود داشته و دارد. و باید همواره در جامعه، علماء متخصص و ورزیده برای پاسخگویی حضور داشته باشند و همان کاری را انجام دهند که تمام امامان ما بدون استثناء انجام داده‌اند؛ چنان که امام جوآد علیه السلام به شبهات زمان خویش که از طریق ملحدان، واقفیه، معتزله و ... القاء می شد، جوابهای روشنگرانه داده است.

مانند پاسخ به شبهه تصور کردن خداوند، که حضرت جواب می دهد: خداوند به وهم نیاید و قابل تحدید ذهنی و تصویری و عقلی نیست. و یا سؤال از اینکه آیا خدا شیء است؟ که می فرماید: بله، ولی او را از حد تعطیل

۲. تفسیر قرآن و تأویل آن و بیان بطون آیات؛<sup>۱</sup>

۳. روایات فقهی در باب نماز، زکات، حج، عبادات مستحیه و نوافل؛<sup>۲</sup>

۴. بیان فلسفه و علل احکام، از جمله روایت طولانی درباره فلسفه عده مطلقه، عده وفات ... و ایلاء و احکام آن...؛<sup>۳</sup>

۵. دعاها، مانند: دعای قنوت، دعای بعد از نماز (رضیت بالله رباً...)، دعای صبح و شام، و ...<sup>۴</sup>

### ب. مناظرات

راه دیگر برای توسعه و نشر علم حضرت در جامعه و اثبات عظمت آن امام، مناظراتی است که با علماء و دانشمندان مختلف داشته است.

مناظره آن حضرت با یحیی بن اکثم و علماء درباری نمونه هایی از این مناظرات است. شرح مبسوطی از

۱. مستدرک عوالم العلوم، ج ۲۳، ص ۱۶۴؛ اعلام الهدایه، ج ۱۱، ص ۳۳.

۲. اعلام الهدایه، صص ۳۶ - ۳۷.

۳. همان، ص ۳۸؛ حیات الامام محمد الجواد، ص ۱۰۱.

۴. همان، صص ۴۰ - ۴۱؛ مستدرک عوالم العلوم، ج ۲۳، صص ۲۱۲ - ۲۱۸.

۵. ر. ک: مجله مبلغان، شماره های ۲، ۱۳ و ۳۳.

سخن را با اشعاری در سوگ آن امام  
مظلوم و مسموم به پایان می‌بریم:

جواد ابن الرضا امشب به یاد مادر افتاده  
چو مادر بی‌نفس از تشنگی پشت در افتاده  
ز فرط درد می‌غلطد از این پهلو به آن پهلو  
گمانم یاد آن پهلو شکسته مادر افتاده  
چنان بگسسته از هم زهر کینه تار و پودش را  
که گویی در کنار نهر علقم پیکر افتاده  
ز سوز تشنگی می‌سوزد و گویی که در گودال  
حسین بن علی لب تشنه زیر خنجر افتاده  
گلی از گلبن باغ ولایت باز پرپر شد  
که زهرا از نفس در دامن پیغمبر افتاده  
سرت بادا سلامت ای رضا ای ضامن آهو  
میان حجره نور دیدگانت پرپر افتاده

\*\*\*

گذر کن از مدینه جانب بغداد یا زهرا  
جوادت را نظر کن تشنه لب جان داد یا زهرا  
بیا بنگر غریب و بی‌کس اندر گوشه غربت  
برآور در عزایش از جگر فریاد یا زهرا<sup>۴</sup>

که اصلاً قابل درک کلی نباشد و تشبیه  
که مانند چیزی باشد، خارج بدانید.<sup>۱</sup>

همچنین است پاسخ به شبهات قرآنی  
که پیرامون برخی آیات مطرح بوده<sup>۲</sup> و  
پاسخ به پرسشهایی که پیرامون فلسفه  
احکام مطرح شده است؛ مثل اینکه چرا  
باید زن عده نگه‌دارد؟ و چرا عده زن در  
طلاق سه ماه و ده روز است، ولی در  
وفات چهار ماه و ده روز است؟ که  
اجمال پاسخ حضرت این است که سه  
ماه و ده روز برای استبراء رحم زن است  
که اگر از شوهر قبلی دارای فرزند باشد،  
مشخص شود و عده وفات از یک جهت  
در مقابل آن مدتی است که مرد باید در  
ایلاء صبر کند و از طرف دوم، نهایت  
تحمل زنان در مسائل جنسی مدت چهار  
ماه است. به همین جهت، در ایام زنده  
بودن شوهر، بعد از چهار ماه مباشرت  
واجب می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. اعلام الهدایة، ص ۳۲؛ احتجاج، ج ۲، صص ۴۶۵

- ۴۶۶ -

۲. اعلام الهدایة، صص ۳۲ - ۳۳.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. مهدی رضایی.